

یعنی بخش خصوصی نتوانست خودش را از این شرایط جدا کند؟

باید عنوان کرد بخش خصوصی در اقتصاد ایران نافته جدا بافته از کلیت اقتصاد و اجتماع ایران نیست و ما در اقتصاد ایران دو بخش دولتی و خصوصی منفک از هم نداریم، بخصوص که بخش دولتی نیز با سهم بری از بخش بزرگی از شرکت‌های دولتی و عمومی نقش بسیار در خور توجهی در اقتصاد بازی می‌کند. بسیاری از مشکلات بخش خصوصی دامنگیر بخش دولتی نیز هست. وقتی رکود اتفاق می‌افتد، همه اقتصاد را در بر می‌گیرد. زمانی که برنامه ریزی‌های اقتصادی در زمان مشخص و تعیین شده نهایی نمی‌شود، هم بخش خصوصی در قالب ساختار به هم ریخته اقتصاد تاوان می‌دهد و هم بخش دولتی به صورت طرح‌های نیمه‌کاره و دیون معوقه مشکل دار می‌شود. البته واضح است که در شرایط بحرانی بخش خصوصی بیشتر لطمه می‌بیند نسبت به بخش‌های دولتی. به هر حال بخش دولتی تا حدودی در تنگناها حمایت می‌شود و انتظار بخش خصوصی نیز این است که از یک سطح برابر حمایت برخوردار باشد. در اقتصاد ایران دولت با کسری بودجه به دلیل کاهش قیمت نفت مواجه شد لذا دولت در صدد است از ابزارهای مالیاتی و وصولی‌های خود این خلأ را برطرف کند. بخش خصوصی تولیدی کشور نیز از کاهش وابستگی به نفت حمایت می‌کند، ولی از سویی دیگر از دولت این انتظار دارد که در هزینه کردهای خود، چارچوب‌های هزینه‌فایده -



تعارض بین سیاست‌های داخلی و خارجی یا بین گروه‌های سیاسی در اقتصاد کشور سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاری بخصوص سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران نتواند تحقق پیدا کند. سرمایه‌گذاری نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است. فراهم شود که سرمایه‌گذار خارجی بتواند در بلندمدت برنامه‌های خود را پیش ببرد

لازم را رعایت کند و به سمت بهره‌وری حرکت کند. قرار بر این نیست که ملت در شرایط رکود از هزینه‌های خانوار کم‌کنند و دولت برنامه مطلوبی برای هزینه‌کرد خود نداشته باشد. هزینه‌ها به دولت باید بسیار نظام‌مندتر از دریافت‌های دولت باشد. نکته دیگر که می‌تواند به عنوان مطالبه بخش خصوصی مطرح شود، نحوه برنامه‌ریزی کلان در اقتصاد کشور است. متأسفانه از اقتصاد ایران صدای واحدی به گوش نمی‌رسد. سازمان‌ها و ارگان‌های بسیاری دست‌اندرکار تنظیم برنامه کشور هستند، ولی بسیاری از این امور اگر در تقابل با هم نباشند به صورت موازی انجام می‌شود و لذا ما با تصمیم‌گیری‌های کارشناسی و متحد از طرف دولت مواجه نیستیم. شورای اقتصادی می‌توانست و باید بسیار قوی‌تر از این در اقتصاد عمل می‌کرد ولی این مهم انجام نگرفته است. وظیفه اتاق‌های بازرگانی نیز طبق قانون، کمک مشاوره‌ای به سه‌قوه

است، البته در دولت قبیل باید عنوان کرد این مسئله بسیار کم‌رنگ شده بود ولی در دولت یازدهم ما شاهد آن هستیم که تعاملات خوبی دولت با اتاق‌های بازرگانی و بخش خصوصی برقرار کرده است و امیدواریم که این تعاملات هر روز بهتر و موثرتر شود.

آیا بخش خصوصی نتوانست حق خود را در مدت ۱۰ سال که تحریم‌ها بسیار سنگین شده بود، از جامعه بین‌الملل مطالبه کند؟ کشورهای غربی ادعای کردند دولت ایران تحریم است و مردم مورد هدف نیستند، بخش خصوصی هم جزئی از مردم بود چرا نتوانست حق خود را بگیرد و بین خود و بخش دولتی وجه تمایز ایجاد کند؟

نمی‌توان بین مردم و دولت وجه تمایز قائل شد. شما نمی‌توانید حتی بین بخش خصوصی و بخش دولتی در یک کشور چندان تفاوت قائل شوید. اینها مسائلی است که بیشتر از آنکه جنبه واقعیت داشته باشد، به نوعی طرح مسأله، عوام‌فریبانه است. مگر می‌شود شما یک کشور را مورد حمله قرار دهید و ملت در آن کشورها صدمه ببینند؟ مگر می‌شود شما اساس تجارت و خرید و فروش در یک کشور را محدود کنید و جامعه که بخشی از درآمد آنها واردات مایحتاج آنها از این درآمد تأمین می‌شود، آسیب ببیند. شاید گفته شود ما واردات کالاها را اساسی را اجازه دادیم صورت پذیرد یا آنکه ملت

بتوانند دارو و غذا داشته باشند. یک ملت که تنها به غذا زنده نیست، باید کار و تولید داشته باشد. وقتی شما اساس تولید را با مشکل مواجه می‌کنید، کلیت یک جامعه مسأله‌دار می‌شود. زمانی که مناسبات تجارت بین‌الملل بر اساس مبادلات بانکی است، امکان ندارد شما به شیوه‌های قدیمی خرید و فروش کالا به کالا کنید. تحریم‌ها وضع شد و ما به عنوان بخش خصوصی اعتقاد داشته و داریم که حقوق اساسی ملت در نظر گرفته نشود و بر حق خود پافشاری کردیم که درست بود و جهان در نهایت حق ما را به رسمیت شناخت. اما تمامی صحبت ما در این است که اگر برنامه ریزی‌ها و تصمیم‌های اقتصادی شایسته‌ای در سال‌های قبل اتخاذ می‌شد، ما بسیار با قدرت بهتری می‌توانستیم احقاق حق کنیم و لزومی نداشت که این موضوع چند سال به درازا کشیده شود. جامعه بین‌الملل نیز متوجه می‌شد که اقتصاد ایران توانمندتر از آن است که با فشارهای تحریم روبرو شود. اصولاً این موضوع اگر ساختارهای اقتصادی ما در سال‌های قبل درست بنا می‌شد به ذهن آنها نیز خطور نمی‌کرد.

وقتی دولت یازدهم بر سر کار آمد، اصلی‌ترین مطلبی که در آن زمان مطرح شد، حل مسأله بین‌الملل بود. تیم دولت در مدت یک سال نتوانست برجام را به نتیجه برساند، سؤال اینجاست که چرا هم‌زمان با این موضوع و پیشرفت مذاکرات، اتاق و بخش خصوصی نتوانست فضای کاری خود را برابری ورود به برجام

مهیا کند و دیدیم که بخش خصوصی از دولت عقب ماند و خیلی از شرکت‌های دولتی رقیب بخش خصوصی شدند؟ مشکل اقتصاد ایران صرف برجام و توافق برجام نبوده و نیست. در کنار مشکلات ساختاری که در اقتصاد داخلی وجود دارد و شماری از آنها را شمرده‌ایم نحوه تعامل ما با دنیای خارج یک مشکل و مسأله خاص برجام یا مباحث هسته‌ای نیست. ما در تعاملات مان با دنیای خارج با یک مشکل عام مواجه هستیم. بعد از انقلاب جامعه ما مواجه با یک جنگ ناخواسته‌ای شد که در آن تمامی کشورهای جهان بجز شمار معدودی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مقابل ما و جامعه ما قرار گرفتند. این زخمی است که به سادگی التیام و بهبود نخواهد یافت. البته در سال‌های سازندگی

شماری از کشورهای سوسی کردند با مشارکت در ساخت اقتصاد ایران این موضوع را بر طرف کنند. اما این حرکت‌ها به نظر ما بسیار اندک و ناچیز بوده است. نحوه تعامل ما با دنیای خارج هنوز پس از ۳۸ سال از گذشت انقلاب بسامان نشده است و باید بپذیریم که در این خصوص کارهای زیادی باید توسط دو طرف صورت پذیرد. تعارض بین سیاست‌های داخلی و خارجی یا بین گروه‌های سیاسی در اقتصاد کشور سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاری بخصوص سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران نتواند تحقق پیدا کند. سرمایه‌گذاری نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است. لازم است بستری فراهم شود که سرمایه‌گذار خارجی بتواند در بلندمدت برنامه‌های خود را پیش ببرد و این امر امکان‌پذیر نیست مگر آنکه اقتصاد و سیاست از ثبات لازم برخوردار باشند و متولی و پاس‌خگو در چارچوب تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی یک نهاد مشخص باشد و ما در جامعه ما مواجه با چند صدایی نباشیم. نکته دوم آنکه وقتی شما یک بنا را خراب می‌کنید بازسازی آن به سادگی امکان‌پذیر نیست. در تولید و بازرگانی نمی‌توانید به همان سادگی که خارج می‌شوید و روید پیدا کنید و محصولات خود را در بازار عرضه کنید. رقبا در کوتاه‌ترین مدت زمان جایگزین شما شده‌اند و ذائقه مردم تغییر پیدا می‌کند. تولید و بازاریابی در حوزه

بین‌الملل مستلزم سال‌ها بررسی، تحقیق، بازاریابی و بازاریابی، کار و تلاش بلندمدت است.

ما اعتقاد داریم که بخش خصوصی هیچ‌گاه در بهبود مناسبات با خارج و کشورهایایی که منافع ملت ما را در نظر داشته‌اند کم‌کاری نکرده است. برعکس ما بسیار بتوان در این خصوص ظاهر شدیم چون معتقد هستیم که باید شرایط اقتصاد را با تکنولوژی‌های روز دنیا پیش ببریم و در بازارهای جهانی سهم شایسته خود را به دست آوریم. منتها گاهی اوقات می‌بینیم بخشی از درخواست‌های خارجی صرفاً بازار ما را هدف قرار داده‌اند و قصد ندارند در تولید یا سرمایه‌گذاری مشارکت کنند. ما هم ترجیح می‌دهیم بیشتر با کشورهای یا شرکت‌هایی کار کنیم که قصد مشارکت واقعی و منافع برد-برد را در کشور دارند. دولت در بعضی از مسأله‌ها توانسته است به توافق‌های خوبی برسد و ما در اینجا دست‌مزد به برنامه‌ریزان و سیاستگذاران می‌گوییم. البته این مسأله بیشتر بوساطه نقش پررنگ دولت در اقتصاد و تولید بوده است بخصوص در بازار نفت یا خریدهای انحصاری مانند هواپیما یا قرار داد با شرکت‌های بزرگ، انحصار با دولت است و امیدواریم که بخش خصوصی نیز بتواند با هموارتر شدن امور به تسریع این موضوع کمک و بدنه تولید کشور را در این زمینه حمایت کند.

از آنجا که امسال، سال پایانی دولت یازدهم است فعالیت سه‌ساله و نیمه دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه فعالیت‌هایی مثبت و منفی را طی این مدت شاهد بودید؟

باید بپذیریم که دولت آقای روحانی در شروع به کار با مشکلات بسیاری مواجه بود، کاهش قیمت نفت و نبود ذخیره مناسب در صندوق توسعه ملی از یک طرف و از سویی دیگر مطالبات عامه مردم در قالب هدفمندی یا ارائه‌ها از سویی دیگر که اگر بحث بدهی‌های معوقه بخش دولتی به پیمانکاران و بانک‌ها را به اینها اضافه کنیم در کنار تورم فزاینده، نابسامانی در اقتصاد و بیکاری و کاهش ظرفیت تولید در بسیاری از بخش‌های اقتصادی کشور، بی‌می‌بریم که، حل مشکلات به سادگی امکان‌پذیر نیست اگر در این شرایط بخش‌هایی از جامعه نیز به شکل گروه‌های منفعت‌طلب خواستار حق و حقوقی باشند و مسائل جامعه یا نحوه تعامل با دنیای خارج و موضوع برجام را به نوعی دیگر در آذهان عمومی جامعه مطرح کنند، مشکلات شما دوچندان خواهد شد. اتاق بازرگانی و صنایع در مجموع طی این سال‌ها فعالیت‌های دولت را مثبت ارزیابی می‌کند اگر چه معتقد است که این امکان برقرار بود که با مشارکت بخش بزرگ‌تری از جامعه و طرح درست و واقعی مشکلات در جامعه، به راهکارهای مطلوب‌تری نیز رسید. دولت قدم اول را در ثبات فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه به شایستگی مدیریت کرده است و امروز انتظار بر این است تا به کمک فضای محیط سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و صنعتی بشتابد و حرکت و رشد اقتصادی و توسعه کشور را تسریع بخشد. تا زمانی که محیط اقتصاد داخلی برای سرمایه‌گذار داخلی فراهم نباشد نمی‌توان از سرمایه‌گذار خارجی انتظار حرکت خاص را داشت. لازم است فعالیت‌هایی که ارزش ندارند محدود شوند باید به این سمت حرکت کرد که مالکیت واقعی، ارزش‌های حاصل از تلاش فکری و خلاقیت‌های افراد باشد نه صرفاً مالکیت بر زمین و مستغلات و کسانی که صاحبان تفکر و اندیشه در جامعه هستند.

اکنون فضای بخش خصوصی را چگونه ترسیم می‌کنید؟ آیا این بخش نتوانسته به حدی از چابکی و رشد برسد که در فعالیت‌های اقتصادی و بخصوص حوزه بین‌الملل کارآمدتر و روگرد کند؟ نقاط ضعفی که این بخش دارد را نیز عنوان کنید؟

باید این واقعیت را قبول کرد که بخش خصوصی در اقتصاد ایران این ظرفیت و توانایی را دارد که بسیار قوی‌تر از وضعیت فعلی در اقتصاد ورود پیدا کند. البته زمانی که از بخش خصوصی نام می‌بریم باید این بخش را تفکیک کنیم از سازمان‌هایی که به نوعی شبه‌دولتی هستند و با خصوصی سازی‌های ناکارآمد ایجاد شده‌اند. در قدم اول ما نیازمند برنرسازی هستیم از شرکت‌های خوب و مطرح و از مدیران با تجربه کشور. در زمینه مدیران خوب و کارآمد دولتی نیز ما نیازمند تشریح مسائل و برنرسازی هستیم باید شفاف و دقیق نقاط قوت جامعه را ترسیم کنیم سپس با انتخاب افراد مطلع و مدیران شایسته کشور، خط مشی‌ها و سیاستگذاری‌های آتی جامعه را از آنها بپذیریم. در خارج از کشور نیز ایرانیان بسیاری هستند که با تجربه فراوانی که از اقتصاد جهانی به دست آورده‌اند در این زمینه می‌توانند بازوی عملی و فکری قوی برای جامعه جوان ما باشند و ما امیدواریم که این حرکت با سرعت تسریع یابد و جامعه ایران بتواند خود را پیدا کند.

اقتصادی

www.iran-newspaper.com